

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال دهم، شماره ۸/۲۴۲ مرداد ۱۴۰۴/۳۰ ژوئیه ۲۰۲۵

مدیریت بحران



در این شماره می‌خوانید:

مدیریت بحران؛ قوانین و رویکردها

مدیریت بحران؛ تورم قوانین و عدم اجرای آنها

مدیریت بحران در ایران از منظر حقوقی: چالشها و راهکارها

مدیریت بحران در بلایای طبیعی

مدیریت بحران در دوران اضطرار؛ جنگ و بلایای طبیعی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نقی محمودی، مینا موحد، علی‌اصغر فریدی، سیروان منصوری، پویان مکاری

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است

و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



نقی محمودی

مدیریت بحران؛ قوانین و رویکردها



مدیریت بحران مجموعه‌ای از مهارت‌ها، رویکردها و ویژگی‌هایی است که به مدیران کمک می‌کند تا در شرایط پیش‌بینی‌ناپذیر و پرتنش، اوضاع را کنترل کنند و خسارات را به حداقل برسانند. مهم‌ترین ویژگی‌های یک مدیریت بحران کارآمد عبارتند از:

- یک - تصمیم‌گیری سریع و درست
- توانایی جمع‌آوری اطلاعات محدود در زمان کوتاه و انتخاب بهترین گزینه.
- دو - توانایی پیش‌بینی و آینده‌نگری
- شناسایی سناریوهای احتمالی بحران و آماده‌سازی برنامه‌های جایگزین.
- سه - رهبری و هدایت تیم
- ایجاد انسجام، انگیزه و اعتماد میان اعضای تیم در شرایط بحرانی.
- چهار - انعطاف‌پذیری و سازگاری
- تغییر تاکتیک‌ها و روش‌ها متناسب با شرایط متغیر.
- پنج - ارتباط موثر
- انتقال شفاف و دقیق اطلاعات به کارکنان، رسانه‌ها و جامعه برای جلوگیری از شایعات و سردرگمی.
- شش - مدیریت استرس و کنترل هیجان
- حفظ آرامش، خونسردی و تمرکز حتی در شرایط فشار بالا.
- هفت - توان تحلیلی و حل مسئله
- تحلیل سریع ریشه بحران و یافتن راه‌حل‌های عملی

و اجرایی.

هشت - مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی
قبول مسئولیت تصمیم‌ها و نتایج و تلاش برای کاهش خسارات انسانی و مالی.
نه - آشنایی با قوانین و مقررات
اطلاع از چارچوب‌های قانونی و اداری برای تصمیم‌گیری درست در بحران‌ها.

قوانین و آئین‌نامه‌های مرتبط با مدیریت بحران

قانون مدیریت بحران، مشتمل بر هفت فصل، ۲۶ ماده و ۳۲ تبصره در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ هفتم مرداد ماه ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۲۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.
مضافاً به تصویب این قانون برنامه‌های دیگری هم به شرح ذیل در خصوص مدیریت بحران در دسترس است:
برنامه ملی آمادگی و پاسخ:
این برنامه شامل اقدامات و هماهنگی‌های لازم برای آمادگی و پاسخ موثر به حوادث و سوانح است.
[برنامه ملی بازسازی و بازتوانی](#)
این برنامه به منظور بازسازی و بازتوانی مناطق آسیب دیده از حوادث و سوانح تدوین شده است.
[برنامه ملی کاهش خطر حوادث و سوانح](#)
این برنامه با هدف کاهش خطر و آسیب‌پذیری در برابر حوادث و سوانح اجرا می‌شود.
[سند راهبرد ملی مدیریت بحران](#)
این سند چشم انداز و راهبردهای کلان مدیریت بحران در کشور را مشخص می‌کند.
[قانون برنامه ششم توسعه](#)
این قانون نیز برخی از الزامات و تکالیف مرتبط با

مدیریت بحران را در بر دارد.

قانون تاسیس صندوق بیمه همگانی حوادث

طبیعی

این قانون به منظور حمایت مالی از خسارات ناشی از حوادث طبیعی و سوانح ایجاد شده است.

آیین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان مدیریت

بحران کشور

این آیین نامه به تشریح وظایف و اختیارات سازمان مدیریت بحران می پردازد.

سیاست های کلی ابلاغی مقام رهبری در خصوص

کاهش اثرات بلایای طبیعی

این سیاست ها رهنمودهایی برای کاهش اثرات بلایای طبیعی در کشور ارائه می دهند.

آیین نامه های اجرایی مرتبط با موضوعات خاص مانند ماده ۲۰ قانون مدیریت بحران (فداکار خدمتی) و ماده ۸ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات: این آیین نامه ها به جنبه های خاصی از مدیریت بحران می پردازند.

سوال اصلی این است که با وجود تصویب این قانون و آئین نامه های متعدد در ارتباط با مدیریت بحران،

جمهوری اسلامی تا چه اندازه قادر به مدیریت بحران، پیش گیری از بحران و اقدامات موثر بعد از بحران بوده است؟ در خصوص بحران های متعددی که در کشور به وجود آمده آیا راه حل موثری برای گریز یا کاهش عوارض بحران اعمال شده است؟ با مذاقه در اخبار و اطلاعات موجود از برخی بحران های حادث در طول ۴۷ سال گذشته به خوبی می توان دریافت که نهادهای مسئول و متولی جمهوری اسلامی در ارتباط با مدیریت بحران، نقشی بسیار ضعیف و ناکارآمد در حل بحران ها داشته اند. در بخش های دیگر به تفصیل به این

موارد خواهیم پرداخت.

- سازمان های متولی و مسئول مدیریت بحران:
- یک- سازمان مدیریت بحران کشور:
- این سازمان مسئول اصلی مدیریت بحران در کشور است و وظایف مختلفی از جمله هماهنگی، نظارت، و برنامه ریزی را بر عهده دارد.
- دو - وزارت کشور:
- وزارت کشور مسئولیت نظارت بر عملکرد سازمان مدیریت بحران را بر عهده دارد و در زمینه مدیریت بحران نقش هماهنگ کننده را ایفا می کند.
- سه - کمیسیون های مجلس شورای اسلامی:
- کمیسیون های برنامه و بودجه و محاسبات و امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی در امر مدیریت بحران نقش نظارتی دارند.

مقایسه تطبیقی مدیریت بحران

ایران: قدرت بالا در بسیج مردمی و نیروهای امدادی، اما ضعف جدی در پیشگیری، هماهنگی بین سازمان ها و زیرساخت مقاوم. بسیج و تشکیل گروه های امداد خودجوش مردمی، بسیار کارآمدتر از سازمان ها، نهادها و دوایر دولتی عمل کرده است. ژاپن: نمونه موفق جهانی؛ تمرکز اصلی بر پیشگیری، آموزش همگانی و فناوری های هشدار و مقاوم سازی.

ترکیه: بعد از زلزله ۱۹۹۹ اصلاحات گسترده انجام داد؛ اکنون موفق تر از ایران است، اما هنوز در حد

ژاپن نیست.

۳. اقدامات بلندمدت (۵ تا ۱۵ سال)

هدف: حرکت به سمت مدیریت بحران پایدار و پیشگیرانه

۱. اقدامات کوتاه مدت (۱ تا ۲ سال) هدف: افزایش آمادگی فوری و کاهش خسارات احتمالی

ایجاد سامانه هشدار سریع (SMS) و اپلیکیشن برای زلزله، سیل و آلودگی هوا)

مانورهای عمومی در مدارس، ادارات و محله ها به صورت منظم

آموزش عمومی از طریق رسانه ملی و شبکه های اجتماعی (نحوه پناه گیری، امداد اولیه، مدیریت استرس)

تقویت تجهیزات امدادی (چادر، غذا، دارو، بالگرد) در انبارهای استراتژیک در استان ها

شفافیت اطلاع رسانی: انتشار سریع اخبار رسمی برای جلوگیری از شایعات

۲. اقدامات میان مدت (۳ تا ۵ سال) هدف: بهبود ساختار و هماهنگی سازمانی

ایجاد یک سازمان مدیریت بحران یکپارچه (کاهش موازی کاری نهادها)

مقاوم سازی ساختمان ها و زیرساخت ها به ویژه مدارس، بیمارستان ها و پل ها

ایجاد مراکز بحران شهری (مکان های امن با آب، برق، تجهیزات ارتباطی)

نقشه خطرپذیری ملی (بر اساس زلزله خیزی، سیلاب، خشکسالی) برای هر استان

آموزش تخصصی مدیران و کارکنان دولت در زمینه مدیریت بحران

۳. اقدامات بلندمدت (۵ تا ۱۵ سال) هدف: حرکت به سمت مدیریت بحران پایدار و پیشگیرانه

فرهنگ سازی نسلی (گنجاندن آموزش مدیریت بحران در کتب درسی)

ایجاد سیستم های پیش بینی پیشرفته با استفاده از هوش مصنوعی و داده های اقلیمی

شهری سازی ایمن: بازنگری جدی در طرح های شهری و مقاوم سازی بافت های فرسوده

همکاری های بین المللی با کشورهایی مثل ژاپن و ترکیه برای انتقال فناوری و تجربه

یکپارچه سازی مدیریت بحران با توسعه پایدار (مدیریت آب، محیط زیست، انرژی و حمل و نقل ایمن)

ایران اگر از ظرفیت مردمی، علمی و فناوری خود به درستی استفاده کند، می تواند از یک مدیریت واکنشی به یک مدیریت پیشگیرانه و پایدار برسد؛ مشابه تجربه ژاپن.



پویان مکاری

مدیریت بحران: تورم قوانین و عدم اجرای آنها



مدیریت بحران در ایران همواره با چالش‌های جدی روبه‌رو بوده است؛ از زلزله‌های ویرانگر گرفته تا سیل و حتی همه‌گیری کرونا، ناکارآمدی ساختارها و عدم اجرای قوانین بارها آشکار شده است. هرچند «قانون مدیریت بحران کشور» در سال ۱۳۹۸ تصویب شد، اما انتقادهای همچنان بر فقدان مدیریت یکپارچه و اجرایی‌نشدن مقررات متمرکز است. برای بررسی ابعاد حقوقی و ساختاری مدیریت بحران و ضعف‌ها و موانع موجود در ایران، با معین خزائلی، حقوق‌دان، به گفت‌وگو نشستیم.

در قوانین ایران، «بحران» و «مدیریت بحران» چگونه تعریف شده‌اند و کدام نهادها مسئولیت اصلی آن را بر عهده دارند؟

تنها قانونی که در این زمینه داریم، قانون مصوب مرداد ۱۳۹۸ است؛ «قانون مدیریت بحران کشور»، که تا پیش از آن قانون دیگری بود به نام «قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران» که پس از تصویب قانون مدیریت بحران، لغو شد. در این قانون بحران در حقیقت وقوع مخاطره‌ای تعریف شده که به دلیل یک اتفاق طبیعی حادث می‌شود و اتفاقات اجتماعی، امنیتی و نظامی را شامل نمی‌شود. پس

هر مخاطره‌ای که ناشی از بحران‌های نظامی و امنیتی باشد اگر منشأ طبیعی نداشته باشد، از زیر مجموعه تعریف بحران در این قانون خارج می‌شود. و در نتیجه وقوع جنگ مشمول این قانون نمی‌شود. در فصل دوم ماده پنج قانون مدیریت بحران ارکانی که مسئولیت دارند را تعریف کرده است؛ شورای عالی مدیریت بحران کشور، سازمان مدیریت بحران کشور و ستاد مدیریت بحران کشور. و از رئیس جمهور یا معاون اول او که ریاست این شورای عالی را بر عهده دارند تا وزیر کشور و ۱۶ مقام در قانون اعلام شده که می‌توانند عضو این شورا باشند.

جایگاه «ستاد ملی مدیریت بحران» و دیگر نهادهای مشابه در سلسله مراتب قانونی کشور چیست و آیا اختیارات آنها کافی است؟

در ماده ۱۰ قانون مدیریت بحران جایگاه «ستاد ملی مدیریت بحران» به روشنی تعریف شده است. در آن آمده است، این ستاد به منظور تسهیل انسجام، هماهنگی و هم‌افزایی فعالیت‌های دستگاه‌ها و نهادهای مشمول قانون مدیریت بحران، ستادهای مدیریت بحران در سطوح ملی، استانی و شهرستانی، تشکیل می‌شود که ستاد ملی به ریاست وزیر کشور است.

اما این که آیا اختیارات آنها کافی است یا نه، باید ببینیم در چه زمینه‌ای صحبت می‌کنیم. همان‌طور که گفتیم در قانون جنگ یا بحران‌های ناشی از کودتا یا انقلاب، مشمول قانون مدیریت بحران نمی‌شوند و صرفاً بحران‌های طبیعی مانند سیل و زلزله و بیماری‌های گسترده مانند کرونا مشمول آن هستند. پس باید توجه به وضعیت این اتفاقات

اختیارات ستاد ملی مدیریت بحران را ارزیابی کرد. مثلاً در زمان زلزله و سیل می‌بینیم ستاد مدیریت بحران فعال می‌شود و آنچه که در عمل اتفاق می‌افتد این است که سازمان‌های امدادی به ویژه هلال احمر کار خود را جداگانه آغاز می‌کنند. آنجایی که نیاز به ورود نیروهای نظامی یا انتظامی هست نیز می‌بینیم که فعالیت‌ها مستقل است، اگرچه که در قانون ستاد کل نیروهای مسلح در ستاد ملی مدیریت بحران نماینده دارد. اما بعضاً ارتش یا سپاه مستقل اقدام می‌کنند. با توجه به آنچه که در قانون تعریف شده، به نظر می‌رسد اختیارات کافی است. اما این فقط در قانون نوشته شده است و در عمل اجرا نمی‌شود.

اصلی‌ترین موانع حقوقی و ساختاری که باعث ناکارآمدی مدیریت بحران در ایران می‌شوند، کدام‌اند؟

من فکر می‌کنم دو مسئله اصلی وجود دارد. یک آن که نظام جمهوری اسلامی نمی‌خواهد بپذیرد که در مواقعی دچار بحران می‌شود. پس یک سازمان دائمی ندارد که بر روی موضوع بحران کار بکند. کشوری محدوده جغرافیایی آن در مناطق زلزله‌خیز است و در آن زیاد شاهد حوادثی مانند سیل هستیم، باید شرایط بهتری در زمینه مدیریت بحران داشته باشد.

دوم ساختار نهادهای حاکمیتی جمهوری اسلامی به خصوص نهادهای امنیتی، نظامی و اطلاعاتی، به دلیل آن که خواسته‌اند جلوی اقدام علیه حاکمیت را بگیرند، به قدری مستقل است، که به هیچ‌وجه زیر نظر ستاد خاصی عمل نمی‌کنند و در نتیجه در جایی که نیاز به کمک این نهادها وجود دارد، آن‌ها به شکل مستقل عمل می‌کنند.

دیگر نهادها هم همین وضعیت را دارند، به نظرم بروکراسی نادرست و فقدان مدیریت یک‌پارچه، علمی و کارشناسانه یکی از دلایل اصلی ناکارآمدی مدیریت بحران در ایران است. این مسئله به صرف قانون حل نمی‌شود، اگرچه که قانون مدیریت بحران مصوب

در بحران‌های گذشته مانند جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل یا زلزله بم، مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف مدیریت بحران از نظر شما چه بوده است؟

اساساً دوران جنگ همان‌طور که گفتیم مشمول قانون مدیریت بحران نمی‌شود. در نتیجه باید آن را از این قانون مجزا بدانیم. اما به عنوان مثال نظام جمهوری اسلامی در زمان جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل حتی نتوانست امنیت مقامات ارشد نظامی خود را تأمین کند و تعداد مقامات ارشد کشته شده در این جنگ نشان دهنده آن است. جلسه سران قوا هدف قرار گرفت و به قول خود مقامات، سران قوا شانس آوردند که زنده ماندند. با توجه به این وضعیت آنچه که اتفاق نیفتاد در جریان این جنگ، مدیریت بحران بود. یعنی ما شاهد همه‌چیز بودیم جز مدیریت بحران. مردم به حال خود رها شده بودند و چیزی که می‌شد دید دستپاچگی و فقدان هرگونه مدیریت بود.

۱۳۹۸ قانون بدی نیست اما همین قانون هم اجرا نمی‌شود. ما یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتمان در ایران عدم اجرای قانون است، مانند قانونی که برای مبارزه با آلودگی هوا یا حمایت از حقوق کودکان، که موجود هستند، اما اجرا نمی‌شوند.

برای بهبود مدیریت بحران در ایران، چه اصلاحات یا آئین‌نامه‌های فوری باید اجرا شود؟

آئین‌نامه‌های اجرایی قانون مدیریت بحران عمدتاً تصویب شده‌اند و برخی از آئین‌نامه‌های اجرایی بخش‌ها کامل نیست. در نتیجه آئین‌نامه‌هایی که باید تصویب شوند، همین بحث آئین‌نامه‌های اجرایی قانون مدیریت بحران است. اما همان‌طور که گفتیم ما دچار مشکل عدم اجرای قوانین هستیم در حالی که در مواقعی با تورم قوانین روبرو هستیم.

در شرایط بحران، چه حقوقی برای شهروندان باید تضمین شود و آیا در قوانین ایران مکانیسمی برای شکایت از سوءمدیریت پیش‌بینی شده است؟

یک سری حقوق اساسی است که در تمام اسناد بین‌المللی به عنوان حقوق اساسی شهروندان شناخته شده است و در مواقع حتی بحرانی هم قابل سلب شدن نیستند. مثلاً در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اشاره شده که در شرایط بحرانی حاکمیت‌ها می‌توانند برخی محدودیت‌ها مانند رفت‌وآمد را اعمال کنند. اما برخی از حقوق مانند حق حیات یا حق آزادی و دسترسی به منابع پزشکی و بهداشتی، غیر قابل سلب هستند. به عنوان مثال در شرایط بحرانی حاکمیت‌ها باید تلاش کنند که حق حیات و امنیت شهروندان را تأمین کنند. مثلاً در دوران جنگ باید بتوان امنیت شهروندان و حق حیات آن‌ها را تضمین کرد و دستکم در زمان حمله هوایی اعلام شود حمله انجام شده و پناهگاهی برای حفاظت از جان شهروندان در نظر گرفته شده باشد، یا شرایطی باشد که امنیت جانی و مالی شهروندان حفظ شود. این در حالی است که در دوران جنگ ۱۲ روزه ما شاهد این مسئله نبودیم. باید به این نکته هم اشاره کنیم که در قوانین ایران مکانیسم‌هایی برای عدم اجرای وظیفه مأموران دولت وجود دارد

مدیریت بحران در ایران را چگونه می‌توان با استانداردها و تجربه‌های موفق بین‌المللی مقایسه کرد و چه درس‌هایی می‌توان گرفت؟

من فکر می‌کنم اساساً در مسئله مدیریت با مشکل مواجه هستیم. این که نهادها به شدت مستقل هستند، این استقلال به معنی مثبت به معنی استقلال مثلاً استقلال قوه قضائیه از حاکمیت نیست. اما این استقلال به این معنی است که یک نهاد مرکزی برای مدیریت بحران وجود ندارد و نهادها مستقل عمل می‌کنند و مدیریت واحد و به ویژه مدیریت کارشناسی، علمی و کارکننده نیست. پس قیاس مدیریت بحران در ایران با تجربه‌های موفق بین‌المللی خیلی درست نیست، و ما بیشتر در بحث اجرا دچار مشکل هستیم.



علی‌اصغر فریدی

مدیریت بحران در ایران از منظر حقوقی: چالش‌ها و راهکارها



این قانون مسئولیت هماهنگی و راهبری همه جانبه بحران‌ها را به سازمان مدیریت بحران کشور واگذار کرده است. همچنین قوانین جانبی مانند قانون مقابله با بلایای طبیعی، قانون ایمنی در برابر زلزله و مقررات شورای عالی امنیت ملی، چارچوب‌های حمایتی را برای مدیریت بحران فراهم کرده‌اند. وزارت کشور به عنوان متولی اصلی اجرای سیاست‌های مدیریت بحران، نقش کلیدی دارد و در سطح استان و شهرستان، استانداران و فرمانداران مسئول اجرای برنامه‌ها هستند. نهادهای نظامی و انتظامی مانند ارتش، سپاه و نیروهای انتظامی به همراه جمعیت هلال احمر نیز نقش پشتیبانی و امدادرسانی ایفا می‌کنند.

اما در عمل، ضعف‌های فراوانی وجود دارد که مدیریت بحران را دچار چالش‌های اساسی کرده است. یکی از مهم‌ترین مشکلات، نبود هماهنگی و یکپارچگی نهادی است. تعدد نهادهای درگیر در مدیریت بحران بدون وجود یک مرکز فرماندهی واحد باعث بروز سردرگمی و موازی‌کاری می‌شود که در زمان وقوع بحران، کارآمدی پاسخ را کاهش می‌دهد. همچنین ضعف در ضمانت اجرا یکی دیگر از موانع است؛ قوانین موجود فاقد مجازات‌های موثر برای نهادهایی است که وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهند یا کوتاهی می‌کنند. این امر

مدیریت بحران یکی از مهم‌ترین وظایف حاکمیت‌ها برای حفظ امنیت، جان و مال شهروندان است. بحران‌ها می‌توانند از نوع طبیعی مانند زلزله، سیل، خشکسالی و آتش‌سوزی باشند یا از نوع انسانی و اجتماعی مثل جنگ، شورش، اعتراضات گسترده و حتی بحران‌های بهداشتی مانند همه‌گیری کرونا.

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و شرایط اقلیمی خود در معرض طیف وسیعی از این بحران‌ها قرار دارد. پیامدهای این بحران‌ها علاوه بر خسارات مادی، مشکلات اجتماعی، روانی و حقوقی گسترده‌ای را برای جامعه به همراه دارد که مدیریت صحیح آن نیازمند چارچوبی منسجم، کارآمد و رعایت دقیق حقوق شهروندان است. در این میان، جنبه‌های حقوقی و نهادسازی، بخش مهمی از نظام مدیریت بحران را تشکیل می‌دهد.

از نظر حقوقی، قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور که در سال ۱۳۸۷ تصویب شده، مهم‌ترین سند قانونی این حوزه به شمار می‌رود.

باعث می‌شود که مسئولیت‌پذیری کاهش یافته برای تحلیل عمیق‌تر ابعاد حقوقی و کیفیت مدیریت بحران تحت تأثیر قرار گیرد. محدودیت‌های مدیریت بحران، با بهنام علاوه بر این، مشارکت عمومی و شفافیت دارایی‌زاده، وکیل و حقوقدان، گفت‌وگویی اطلاعات در فرآیندهای مدیریت بحران محدود داشتیم. او در پاسخ به این سوال که آیا دولت است. مردم اغلب به اطلاعات لازم دسترسی ایران در شرایط بحران مانند اعتراضات، زلزله یا ندارند و امکان مشارکت آنها در پیشگیری و همه‌گیری کرونا حق دارد آزادی بیان را محدود مقابله با بحران‌ها فراهم نشده است. از همه کند، توضیح داد:

مهم‌تر، در برخی شرایط بحرانی به بهانه حفظ «بر اساس اصل ۷۹ قانون اساسی جمهوری امنیت، حقوق اساسی شهروندان مانند آزادی اسلامی، دولت می‌تواند در شرایط جنگ یا بیان، تجمع و دسترسی به خدمات اولیه نقض وضعیت اضطراری محدودیت‌هایی اعمال کند. می‌شود که نگرانی‌های جدی حقوق بشری اما این محدودیت‌ها باید به تصویب مجلس ایجاد کرده است. برسد و محدود به دوره‌های ۳۰ روزه باشد. اگر از منظر استانداردهای بین‌المللی، چارچوب شرایط اضطراری ادامه داشت، دولت باید دوباره سندای برای کاهش خطرات بلایا (Sendai Framework 2015-2030) اهمیت ویژه‌ای از مجلس مجوز بگیرد. همچنین باید تأکید کنم که اعمال حکومت نظامی در هیچ شرایطی مجاز نیست.»

پس از بحران قائل است. این چارچوب تأکید آقای دارایی‌زاده درباره نگرانی‌های سوءاستفاده دارد که مدیریت بحران باید به صورت جامع و از قوانین موجود افزود: «متأسفانه قوانین در ایران به گونه‌ای نوشته شده‌اند که امکان تفسیر خودسرانه و سلیقه‌ای برای سرکوب آزادی بیان و مشارکت جامعه مدنی در همه مراحل آن فراهم می‌شود. عبارات کلی و مبهمی مانند مضر مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه در ایران تمرکز به اصول اسلام یا نقض حقوق عمومی در قانون بیشتر بر مرحله واکنش و مقابله در زمان وقوع مطبوعات و قانون جرایم رایانه‌ای، به نهادهای بحران است و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای امنیتی و قضایی اجازه می‌دهد با عناوینی مانند پیشگیری و توانمندسازی بسیار ضعیف انجام اخلال در نظم عمومی، نشر اکاذیب یا توهین شده است.

به مقدسات به صورت سیستماتیک آزادی بیان همچنین افزایش آموزش عمومی و حقوقی را محدود کنند. این وضعیت باعث می‌شود که مدیران بحران و ارتقای آگاهی مردم نسبت حقوق اساسی شهروندان در زمان بحران به به حقوق و وظایف خود در شرایط اضطراری شدت آسیب ببیند.»

این مصاحبه روشن می‌کند که محدودیت‌های مؤثر و نظارت قضایی قوی به تقویت پاسخگویی قانونی و ناهماهنگی بین قوانین، نه تنها باعث و کارآمدی در مدیریت بحران کمک شایانی افزایش چالش‌های مدیریتی می‌شوند بلکه خواهد کرد.

می‌تواند به ابزاری برای سرکوب حقوق مدنی پیامدهای عدم اصلاح و تقویت نظام مدیریت تبدیل گردند. بدیهی است که برای بهبود بحران می‌تواند بسیار گسترده باشد. از دست وضعیت، بازنگری جدی در قوانین و تضمین رفتن جان و مال مردم، افزایش نارضایتی حقوق بشر در تمامی مراحل مدیریت بحران اجتماعی، تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی، و تشدید مشکلات امنیتی تنها بخشی برای اصلاح نظام مدیریت بحران در ایران، از این پیامدها هستند. همچنین، ناتوانی در اصلاحات بنیادی و راهبردی لازم است. مدیریت مناسب بحران‌ها می‌تواند هزینه‌های قانون مدیریت بحران باید با تمرکز بر شفافیت، اقتصادی هنگفتی به کشور تحمیل کند که آثار پاسخگویی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها آن برای سال‌ها باقی می‌ماند.

و برنامه‌ریزی‌ها به‌روزرسانی شود. ایجاد یک و برنامه‌ریزی‌های قانونی اولیه، به اصلاحات نهاد ملی مستقل و هماهنگ‌کننده با اختیارات کافی برای مدیریت یکپارچه و سریع بحران‌ها، جدی و اساسی نیاز دارد تا با رعایت حاکمیت که بتواند بدون تأثیرپذیری از فشارهای سیاسی قانون، حقوق بشر، شفافیت و کارآمدی نهادی، و امنیتی عمل کند، امری حیاتی است. رعایت نقشی مؤثر در حفاظت از جامعه و تضمین حقوق شهروندان ایفا کند. تنها در این صورت است که شهروندان، به ویژه در موارد محدودیت‌های می‌توان امید داشت تا نظام مدیریت بحران به رفت‌وآمد، قرنطینه و تخلیه اجباری، باید در ابزاری واقعی برای کاهش خسارات و تقویت قوانین و ضوابط مدیریت بحران گنجانده شود. امنیت و آرامش جامعه تبدیل شود.

مدیریت بحران در بلایای طبیعی



مینا موحد

بی‌توجهی به مقررات ساخت‌وساز، نادیده‌گرفتن حرمت مسیل‌ها و آبراهه‌ها و ساخت‌وسازهای غیرمجاز در مسیر جریان‌های طبیعی باعث شده‌اند خسارات ناشی از سیل و زلزله به‌مراتب بیش از حد انتظار باشد. در حالی که یک نظام مدیریت بحران مؤثر، نیازمند سامانه‌های پایش دائمی زلزله و سیلاب است تا پیش از بروز فاجعه، امکانات لازم برای امدادسانی آماده شود.

زیرساخت‌ها در ایران تا چه اندازه برای شرایط بحرانی آماده است؟

به عنوان مثال فرونشست زمین در اصفهان که منجر به تعطیلی صدها مدرسه و جابه‌جایی آن‌ها شد، زنگ خطر مهمی برای میزان آسیب‌پذیری زیرساخت‌های شهری بود. در تهران نیز ترکیب گسل‌های فعال و فرونشست ناهمگن خطرناکی جدی برای بیمارستان‌ها، مترو و شبکه‌های آب و فاضلاب ایجاد کرده است.

از سوی دیگر زمین آرام آرام نشست می‌کند که نتیجه آن می‌تواند به اندازه یک زمین‌لرزه واقعی ویرانگر باشد. به همین دلیل، فرونشست را "زلزله خاموش" می‌نامند. ساختمان‌های ضعیف شده در اثر زمین‌لرزه خاموش، به هنگام بروز زمین‌لرزه واقعی آسیب بیشتری می‌بینند. از سوی دیگر بسیاری از سازه‌های ابتدایی مدیریت سیلاب نیز بدون توجه به شرایط بومی ساخته شده‌اند و نمی‌توانند از جان و مال مردم

ایران با موقعیت جغرافیایی خاص خود، همواره در معرض بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل، خشکسالی و رانش زمین قرار داشته است. اما آنچه از این بلایا یک فاجعه انسانی می‌سازد، نه فقط شدت حادثه بلکه نحوه مدیریت بحران پس از آن است.

در لحظه‌ای که زلزله یا سیل خانه‌ها را ویران می‌کند، آنچه جان مردم را پس از کمک‌های اولیه نجات می‌دهد، سازماندهی، هماهنگی و مدیریت مؤثر بحران است. با این حال در بسیاری از موارد شاهد تأخیر، ناهماهنگی و حتی سردرگمی در اقدامات اولیه هستیم. در گفت‌وگو با نیک آهنگ کوثر، تحلیل‌گر حوزه آب و محیط زیست، به بررسی ضعف‌ها، ظرفیت‌ها و راهکارهای بهبود مدیریت بحران در ایران پرداخته‌ایم.

آیا برنامه یا سناریویی برای مدیریت بحران بعد از بلایای طبیعی در ایران طراحی شده است؟

اگرچه قوانین و مقرراتی برای مدیریت بحران وجود دارد، اما در عمل مردم مناطق مختلف همواره از نبود آمادگی و پیشگیری آسیب دیده‌اند. مناطقی که سال‌هاست به‌عنوان نقاط لرزه‌خیز یا سیل‌خیز شناخته می‌شوند، در لحظه بحران همچنان مسئولان را غافلگیر می‌کنند.

محافظت کنند. نتیجه همه این‌ها، فجایی است که قابل پیشگیری بودند.

زلزله‌زدگان و سیل‌زدگان دشوار می‌کند. در ساعات اولیه بحران، آمادگی لازم برای مدیریت و نجات مصدومان در عمل وجود ندارد.

بزرگترین ضعف‌ها در روند مدیریت بحران چیست؟

ناکامی مدیریت بحران در ایران ریشه در تمرکزگرایی، فساد ساختاری و حذف مردم از فرایند تصمیم‌گیری دارد. نبود شفافیت، غیردموکراتیک بودن سازوکارها، و حاکم بودن روابط رانتی به‌جای شایسته‌سالاری باعث شده مدیریت بحران بیشتر جنبه‌ی نمایشی داشته باشد تا عملکردی.

اولین و مهمترین اقدامات پس از بحران کدام‌ها هستند؟

اولین و مهم‌ترین اقدام پس از وقوع بلایای طبیعی، نجات جان افرادی است که هنوز زنده‌اند اما زیر آوار مانده‌اند یا در وضعیت بحرانی قرار دارند. این کار نیازمند ارزیابی سریع وضعیت، شناسایی امکانات موجود، تشخیص کمبودها و هماهنگی برای اعزام نیرو یا درخواست کمک‌های فوری است. وجود یک مدیریت یک‌پارچه با ساختاری منطقی و متمرکز، می‌تواند از بروز سردرگمی و اقدامات موازی جلوگیری کند و زمان واکنش را به حداقل برساند.

مهمترین چالش‌ها در ساعات اولیه پس از بحران کدام‌ها هستند؟

وقوع زمین‌لرزه‌های بزرگ و آمدن سیل‌های مخرب آثاری غیرقابل جبران را به مردمان مناطق مختلف ایران تحمیل کرده است. مصدومان و کسانی که نیاز فوری پزشکی دارند معمولاً وضعیتی نگران‌کننده دارند. در زمستان‌ها، کمبود پتو و سیستم‌های گرم‌کننده و در تابستان‌ها، کمبود آب شرایط را برای

روش‌های سنتی ولی سازمان‌یافته، می‌تواند شانس زنده‌ماندن مصدومان را به‌شدت افزایش دهد. مدیریت پیشگیرانه، علمی و همراه با مشارکت

فراهم‌سازی شرایط مناسب برای استقرار تیم‌های اورژانس، آتش‌نشانی و گروه‌های امدادی باید از اولویت‌های اصلی باشد؛ این

نیروها باید در نقاط کلیدی مستقر شوند و از تجهیزات کافی برخوردار باشند. در همین حال بررسی فوری کمبودهای دارویی، تجهیزات پزشکی و مواد غذایی و گزارش دقیق آن به مراکز فرماندهی، ضروری است تا تصمیم‌گیری در مورد ارسال کمک‌ها هدفمند و موثر انجام شود.

از سوی دیگر تأمین امنیت اموال آسیب‌دیدگان

نباید نادیده گرفته شود. نیروهای انتظامی و داوطلبان آموزش‌دیده باید مسئولیت حفاظت از خانه‌ها، وسایل بازماندگان و پناهگاه‌های اضطراری را بر عهده بگیرند تا از سرقت، هرج‌ومرج یا سوءاستفاده جلوگیری شود.

مدیریت بحران تنها به نجات جان‌ها محدود نمی‌شود، بلکه حفظ کرامت و دارایی قربانیان نیز بخشی از آن است.

با توجه به تجربیاتی که تا کنون وجود داشته است، چه اقداماتی برای جلوگیری و کاهش بحران‌ها در آینده پیشنهاد می‌کنید؟

برای این‌که بلایای طبیعی هر بار مسئولان

راغ‌فلگیر نکند و جان و مال مردم قربانی بی‌تدبیری نشود، راهی جز رفتن به سمت مدیریت پیشگیرانه، علمی و همراه با مشارکت واقعی مردم وجود ندارد. حرف زدن از فرماندهی واحد و تمرکز بر پیشگیری در مناطق بلاخیز نباید فقط در اسناد بماند، باید به عمل برسد.

دیگر فقط زلزله و سیل نیستند که ما را تهدید می‌کنند؛ امروز فرونشست، خشکسالی‌های شدید و آثار تغییرات اقلیمی هم بخشی از واقعیت تلخ ما شده‌اند. وقتی همچنان در بستر رودخانه‌ها ساخت‌وساز می‌کنیم، گسل‌ها را نادیده می‌گیریم و روی زمین‌هایی که آرام‌آرام در حال فرورفتن هستند برج می‌سازیم، فاجعه نه اتفاق، بلکه نتیجه اینها است.

رعایت مقررات سازه‌ای، مهار سیلاب شهری و روستایی، احیای مسیل‌ها، و اجرای پروژه‌های آبخیزداری باید براساس تجربه‌های موفق و نه شعارهای تبلیغاتی پیش برود. آموزش همگانی و برگزاری مانورهای واقعی از مهدکودک تا محله، باید در وظایف نهادهای شهری نهادینه شود. اما همه این‌ها بدون تمرکززدایی واقعی، ایجاد سامانه یکپارچه مدیریت اطلاعات، صندوق جبران خسارت، نظارت مستقل بر عملکرد مدیران بحران، گزارشگری آزاد و همکاری شفاف با نهادهای امدادگر بین‌المللی، به جایی نمی‌رسد. بحران طبیعی همیشه هست، اما فاجعه حاصل سوءمدیریت است.



سیروان منصوری

اداره کشور جزئی از وظایف ذاتی هر دولتی است ولی اداره کردن در وضعیت فوق العاده، با چالش‌هایی همراه است. در نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته، قانون‌گذار با در نظر گرفتن آینده، تمهیدات مختلف برای اوضاع عادی و فوق العاده می‌اندیشد. مجله حقوق ما در گفت‌وگو با مجید باباخانی، وکیل دادگستری، در این باره پرسیده است.

چه حقوقی برای شهروندان، در دوران بحران و اضطراب مانند (جنگ و بلایای طبیعی)، وجود دارد؟

در پاسخ به این سوال، لازم است که لفظ حقوق شهروندی را تعریف کنیم و در تعریف بگوییم که حقوق شهروندی در رابطه با دولت و جامعه تعریف می‌شود و حقی است که به فرد به عنوان عضوی از یک جامعه سیاسی تعلق می‌گیرد.

در واقع، حقوق شهروندی، چه در دوران بحران و چه در دوران عادی باید رعایت شود و یک شهروند اصولاً دارای حقوق مختلفی در همه ادوار است. نظر به وضعیت به وجود آمده، امکان تحدید، یعنی محدود کردن حقوق شهروند وجود دارد، منتها ما باید ببینیم که کدام حقوق فرد، اهمیت بیشتری دارند و در دوران بحران مورد خدشه واقع می‌شوند.

مدیریت بحران در دوران اضطراب؛ جنگ و بلایای طبیعی



لازم به توضیح است که در میثاق ملی، یعنی قانون اساسی ایران فصل سوم، اصول مختلفی از جمله اصول ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۸ و ۴۱ به حقوق مردم، به صورت مختلف و به حقوق شهروندان اشاره کرده است و این را تفکیک نکرده است که این حقوق در دوران بحران رعایت شود یا نه، یا اینکه شهروندان در دوران بحران این حقوق را نداشته باشند. یعنی آن را به صورت مطلق آورده است و لازم است که چه در دوران بحران چه در دوران غیر آن به عنوان حق شهروند تلقی شوند و مورد رعایت قرار گیرند. در قانون اساسی، اصل ۳۲، دقیقاً اشاره کرده است که هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم قانون. اصل ۳۳ منع از تبعید یا اقامت در غیر محل که فرد علاقه ای به آن ندارد، اشاره کرده است. اصل ۳۴، حق دادخواهی را نوشته است، اصل ۳۸، منع شکنجه را به صورت مطلق گفته است و اصل ۴۱، سلب تابعیت را بیان کرده است. اگر ما بتوانیم این موارد را که در کل قانون اساسی اشاره شده است، تبیین کنیم، مهم‌ترین قسمت‌ها موارد زیر هستند:

یک) حق حیات: که در دوران بحران، مهم‌ترین حقی است که فرد دارد و توسط موارد مختلفی مورد تهدید قرار می‌گیرد، (دو) حق بر مصونیت از شکنجه و خشونت و تحقیر: که فرد نبایستی در دوران بحران، با توجه به اینکه بسیار هم آسیب‌پذیر می‌شود، مورد خشونت و شکنجه و تحقیر قرار بگیرد. (سه) حق بر دسترسی به کمک‌های بشردوستانه: یعنی در واقع، حق برخورداری از خدمات است، چون

قضایی و قانونی کشور، ایجاد می‌شود؟

نظر به اینکه در دوران بحران، برخی از ارگان‌ها و نهادهایی که خدمات ارائه می‌دهند، مورد صدمه واقع می‌شوند و همین خدمات هم مورد خدشه واقع می‌شوند، اما در هر صورت باید پیش‌بینی شود که فرد بر خدمات مختلفی دسترسی داشته باشد، (چهار) حق بر عدم تبعیض: باید دقت شود که افشار و گروه‌های مختلف، مورد تبعیض قرار نگیرند؛ مثل کودکان، زنان، سالمندان و معلولین، (پنج) حق بر آزادی و عدم کوچ اجباری: یعنی نظر به اینکه، فرد در حالت خاصی قرار می‌گیرد، باعث نمی‌شود که وی را به صورت اجباری به جای دیگری کوچاند. مخصوصا در قوانین بین‌المللی هم، این مساله، یعنی کوچ اجباری به عنوان جنایت علیه بشریت تلقی شده است. شش) ششمین مورد که بسیار هم مهم است، حق دسترسی به اطلاعات و اخبار است: با توجه به اینکه وضعیت بحرانی است و شخص تصمیم‌هایی می‌گیرد که بر حق حیاتش اثر می‌گذارد. دسترسی به اطلاعات، در اینجا نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند و باعث می‌شود که حق حیات فرد، تحت تاثیر قرار بگیرد که بسیار هم مهم است. لازم به ذکر است که در قانون اساسی، تعلیق حقوق مورد تایید قرار نگرفته است، در برخی موارد مثل اصل ۷۹، تحدید حقوق مردم مورد بررسی قرار گرفته است، ولی تعلیق حقوق مردم، چه در دوران بحران و چه در دوران عادی، بیان نشده است، یعنی تمامی حقوقی که بیان شد، قابل تعلیق نیستند.

ب: نحوه رسیدگی در دوران جنگ است که دادگاه‌ها در این موارد، از جهات مخففه که در قوانین مختلف، مثل قانون مجازات اسلامی چه قسمت عمومات و چه قسمت مختصات، پیش‌بینی شده است، کمتر استفاده می‌کنند و در زمان وضعیت جنگی، خود قانونگذار مثل ماده ۵۰۹، حتی امکان تشدید مجازات را پیش‌بینی کرده است. یعنی در این مواقع، نه تنها تخفیفی اعمال نمی‌شود، امکان تشدید به مراتب بیشتر است.

حالا در خصوص تغییرات در سیستم

در موقع جنگ، چه تغییراتی در سیستم

یعنی قسمت دوم سوال، ما با دو اصل در قانون اساسی یعنی اصول ۶۸ و ۷۹ مواجه هستیم. در بدو امر، اصل ۶۸ صراحتا اشاره کرده و اجازه داده است که انتخابات برای مدتی متوقف شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق به کار خود ادامه دهد. البته لازم به توضیح است که قانون در کلمه اخص خودش در ایران به مصوبات مجلس شورای اسلامی گفته می‌شود، اما با مراجعه به سابقه قانون‌گذاری در ایران، بیانگر یک چیز دیگر است و آن اینکه، وجود مصوبات از مراجع مختلف که به آن هم قانون اطلاق شده است و عملا هم اجرا شده است، در دوران بحران، از مراجع مختلف، مصوباتی بیرون می‌آید که منشاء آن، وجود همین مراجع مختلف است که خود نشانگر این است که نظام حقوق بحران ایران، خودش در بحران به سر می‌برد.

آیا در دوران بحران، قوانین کشور دستخوش تغییرات می‌شود؟ آیا تمهیداتی برای این مساله در قانون، اندیشیده شده است؟

متأسفانه تا به اکنون، با قوانینی که به صورت تخصصی برای دوران بحران و به صورت جامع و مانع باشد، روبرو نیستیم و همچنین قانونی مورد تصویب قرار نگرفته است و آنچه هم که وجود دارد، پاسخگو نمی‌باشد. اما لازم به توضیح است که اصل ۷۹، برای تصویب قانون از رهگذر مجلس که موضوع آن هم تحدید و محدودیت موکل در حقوق مردم باشد، این اجازه را به دولت داده است که

چه نهاد و ارگان‌هایی، مسئولیت مدیریت امور کشور در دوران بحران را برعهده دارند؟ شرح وظایف آنان چیست و هماهنگی بین آنها به چه صورت است؟

لازم است که بدانیم که ما برای بحران، دو قانون مادر و یک آیین‌نامه داریم. قانون «تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور» و قانون «مدیریت بحران کشور» که در خصوص اینها آیین‌نامه اجرایی هم داریم. برای همین منظور، ما با سه ارگان که مسئولیت بحران در کشور را دارند، روبرو هستیم:

اولی سازمان مدیریت بحران کشور است و دومی شورای عالی مدیریت بحران، و سومی ستاد پیش‌گیری هماهنگی و فرماندهی و عملیات پاسخ به بحران است. این دو قانون مکمل هم هستند، قانون تشکیل که از قبل موجود است و قانون مدیریت بحران که مصوب سال ۱۳۹۸ است که در هر دو قانون، برای سازمان مدیریت و شورای عالی، وظایفی را در نظر گرفته است، به صورت خلاصه

می‌توان گفت که مثلاً برای شورای عالی مدیریت بحران، شامل تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، تنظیم بودجه، اقدام برای تفکیک وظایف سازمان‌ها، هماهنگی و هدایت و پژوهش، اقدام قانونی در جهت تصویب دستورالعمل‌ها و ضوابط این موارد است و برای همین، شورای عالی قانون سال ۹۸، یعنی قانون مدیریت کشور دو وظیفه دیگر، یعنی تصویب و به‌روزرسانی سند راهبرد ملی مدیریت بحران، را تصویب و به‌روزرسانی برنامه‌ریزی ملی کاهش خطر را اضافه کرده است. سازمان مدیریت بحران، مسئول یکپارچگی در مدیریت بحران کشور است، یعنی در اعمال مدیریت، مسئولیت اصلی بر عهده سازمان مدیریت است که به همین جهت وظایفی را در نظر گرفته است که شامل تهیه خط‌مشی‌ها و سیاست‌های اجرایی است، یعنی مسئولیت اجرایی بر عهده سازمان مدیریت است. مراحل چهارگانه بحران، برنامه‌ریزی برای استفاده از کلیه امکانات کشور، ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌ها، تشخیص بحران و ابلاغ آن که قسمت مهمش است که اساساً مسئولیت تشخیص بحران و ابلاغ آن بر عهده خود سازمان است. یعنی ما به صورت خلاصه این شکل بگوییم که هماهنگی در حیطه وظایفشان، هم بر عهده شورای عالی و هم بر عهده خود سازمان است، مثلاً در خصوص هماهنگی در موضوع اجراء، بر عهده سازمان مدیریت بحران است، اما در خصوص تدوین سیاست‌ها، مسئولیت با شورای عالی است.

چگونه می‌توان از حقوق مشروع و قانونی مردم در برابر سوءاستفاده دولت یا تضییع حقوق آنان در دوران بحران، صیانت کرد؟ لازم به توضیح است که در اصل ۷۹، برای امکان محدود کردن قسمتی از حقوق مردم برای مدت کوتاهی، اجازه داده شده است، اما تعلیق قسمتی از حقوق مردم امکان‌پذیر نیست، چون قانون اساسی این را قبول نکرده است. حال چطور می‌شود که از آن صیانت کرد و اجازه سوء استفاده نداد؟ مشخصاً، مهم‌ترین قسمت، آگاه بودن خود مردم به حقوق‌شان است، یعنی نسبت به حقوق خودشان، آگاهی داشته باشند. دوم، شفافیت در قوانین و عدم تفسیربرداری از آن است، یعنی به شکلی نباشد که تفسیربردار باشد و باعث تضییع حقوق مردم شود. دسترسی آزاد به اطلاعات باعث می‌شود که مردم نسبت به اطلاعات دسترسی داشته باشند و تصمیم‌گیری درستی داشته باشند و نظارت توسط سازمان‌های مختلف و وجود (ان.جی.او)های مردم‌محور که حامی حقوق شهروندی و کشور آسیب‌پذیر هستند، هم باعث می‌شود که مانع تضییع حقوق مردم شود و وجود نهادهای بازرس مستقل که این هم از حقوق مردم، صیانت می‌کند. و در آخر رسانه‌ها هم نقش مهمی را ایفا می‌کنند که به امر تضییع حقوق مردم، ورود پیدا می‌کنند و اساساً اجازه تضییع حقوق مردم را نمی‌دهند و اگر هم حقوق مردم تضییع شده باشد، ابقاء همین تضییع و یا مانع همین تضییع می‌شوند.



ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سرمدیبر این شماره: مریم نفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net